

مثلث طلایی نوشتن برای مطبوعات

• محمد اصفهانی (هوشیار)

دارند و به نوعی دانشجو هستند، بیشتر است. نوشتن برای مطبوعات از مرحله غیر تخصصی و آماتور تا مرحله ارتباط فراوان با جراید و پرداختن حرفه‌ای به این موضوع، که همان روزنامه‌نگاری است، دوباره در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و ظاهراً از آن جا که آسان‌تر از تألیف کتاب و هم، کم هزینه‌تر از آن است، مورد اقبال جوانان واقع شده است.

پدیدآورنده کتاب که خود از تحصیل‌کردگان این رشته است، ظاهراً بیشتر از هر کسی، مورد این پرسش‌ها قرار گرفته که: «چگونه بنویسیم؟»، و یا «چگونه نویسنده شویم؟». این کتاب، پاسخی کوتاه و گزیده به آن همه پرسش‌ها است.

پدیدآورنده

احمد توکلی متولد ۱۳۳۶ خورشیدی در شهر طبس و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد و دانشکده خبر در رشته روزنامه‌نگاری است؛ دیگر آثار او عبارت‌اند از:

۱. گزارش‌نویسی در مطبوعات؛ به همراه بیست گزارش برگزیده از مجله‌ها و روزنامه‌های ایران و جهان، تهران: ایران، چاپ دوم ۱۳۷۷ش، ۲۲۴ص، پالتویی.
۲. مصاحبه خلاق، تهران: خجسته، چاپ دوم ۱۳۸۱ش، ۱۶۸ص، رقعی.
۳. ویراستاری و مدیریت اخبار، تهران: خجسته، چاپ دوم ۱۳۸۲ش، ۱۷۲ص، رقعی.



• احمد توکلی. مثلث طلایی نوشتن برای مطبوعات پادداشت‌نویسی، مقاله‌های مطبوعاتی، تهران: ثانیه، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳، ۱۵۲ صفحه، رقعی، شمیز.

نویسنده‌گی

عشق به نوشتن، علاوه بر آن که در وجود تمامی کسانی که می‌خواهند مشهور شوند و شهرتی فراوان داشته باشند به چشم می‌آید در کسانی که به نحوی با علوم دانشگاهی سر و کار بیشتری

تمندر، ۱۳۷۴ش.

از همین جاست که قلم‌ورزی دربارهٔ چنین مطالبی بسیار دشوار و نتیجهٔ آن کوچک و کم‌برگ و بار خواهد بود. نویسندهٔ کتاب پیش رو نیز به ناچار با همین دشواری رو به رو بوده و از این قاعده، مستثنا نشده است، و مشاهده می‌کنیم که وی بیشتر اصل نوشتن را میناقص کرده، و بر نویسندگی و عمل نوشتن، بیشتر از روزنامه‌نگاری و همکاری با مطبوعات تکیه دارد، در جای جای کتاب، به گفته‌های نویسندگانی همانند فالکنر و مارکز استناد می‌جوید، و در توجیه این مسأله می‌نویسد:

«از آن جایی که فنون نوشتن (Writing) حداقل در کتاب‌ها و منابع آموزش غربی، شمول بیشتری دارد، و تقریباً تمامی عرصه‌های نوشتار مطبوعاتی را شامل می‌شود، می‌توان نکات آموزشی آن را - به ویژه - به گزارش نویسان نیز توصیه کرد»^۱.

نگاه نخست

نگاه نویسنده، بسیار خاص و از زاویهٔ دید ویژه‌ای است، و در مقوله‌های دیگری که به هر حال مربوط به فن روزنامه‌نگاری و قابل استفادهٔ روزنامه‌نگاران است، وارد نمی‌شود. مثلاً با آن که می‌دانیم، کار تهیهٔ خبر و روزنامه‌نگاری با هم عجین هستند، در بخش مصاحبه، مطلبی در خور نیاورده، و دامنهٔ بحث را نمی‌گسترانند؛ تنها می‌خوانیم: «با افراد متخصص و آشنا تماس برقرار کنید»،^۲ در حالی که باید با خواننده از گفت‌وگو با شهود عینی یک واقعه، تکنیک مصاحبه، تنظیم و ادارهٔ جلسه، و شیوهٔ لحن مصاحبه‌گر، سخن می‌گفت.

از طرفی، استفادهٔ فراوان از منابع غربی، باعث شده که خواننده در محیطی نا آشنا سیر کند، و گمان برد که در حال مطالعهٔ کتابی است که از زبانی دیگر به فارسی ترجمه شده است. از نظر دور نداریم که نویسنده می‌توانست مطالب را با تکیه بر منابع غربی، سامان داده، و به رشتهٔ تحریر درآورد؛ ولی شاهد مثال‌ها را از مطبوعات خودمان بیرون کشیده، و پیش چشم خواننده بدارد.

بخشی از این مشکل، البته به خاطر هراس از مطبوعات داخلی و گردانندگان و نویسندگان آن‌ها است؛ زیرا که برخی از مثال‌ها برای نمونه کار غلط و اشتباه، و یا به هر صورت برای وارد ساختن انتقاداتی درج می‌شوند، و ممکن بوده حساسیت‌هایی را برانگیزد که البته با حذف ارجاعات، قابل حل به نظر می‌رسید.

ساختار کتاب

نویسنده در فصل نخست بر این نکته تأکید می‌ورزد که هیچ کلاس روزنامه‌نگاری و هیچ کتاب یادداشت‌نویسی نمی‌تواند کسی را نویسنده‌سازد، و چنان مطالعاتی - تنها - دانش فنی شخص را بالا

۴. کتاب سال ایران ورزشی، تهران: روزنامهٔ ایران، چاپ اول ۱۳۸۱ش، ۴۰۰ص، رحلی.

منابع

می‌دانیم که منابع و مآخذ نگاشته شده به زبان فارسی که به مقولهٔ هنر نوشتن و تولید روزنامه و نشریه و شیوهٔ مقاله‌نویسی برای جراید باشد، بسیار اندک و نادر است. این مشکل، دربارهٔ کتاب‌های ترجمه شده به زبان فارسی که به همین موضوع اختصاص دارند نیز به چشم می‌خورد، به صورتی که در مجموع، از وجود این کتاب‌ها آگاهی:

۱. از روزنامه دیواری تاروزنامه‌نگاری، محمد حیدری، تهران: مدرسه، ۱۳۷۳ش؛ چاپ دوم: ۱۳۷۴ش؛ چاپ سوم: زمستان ۱۳۷۵ش.

۲. اصول و مفاهیم روزنامه‌نگاری، شه‌روز دولت‌خواه، [تهران]: شاهد، ۱۳۷۶ش.

۳. پوشش خبری، محمد سلطانی‌فر و شهناز هاشمی، تهران: سیمای شرق، چاپ اول ۱۳۸۲ش.

۴. خیر، یونس شکرخواه، تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴ش.

۵. درآمدی بر روش تهیهٔ نشریات دانشگاهی، محمد خامه‌گر، تهران: فیضیه، چاپ اول آبان ۱۳۷۷ش.

۶. روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری، مهدی محسنیان‌راد و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش.

۷. روزنامه‌نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر، کاظم معتمدنژاد، با همکاری ابوالقاسم منصفی، تهران: دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۰ش؛ تهران: سپهر، چاپ چهارم ۱۳۷۴ش.

۸. روزنامه‌نگاری حرفه‌ای (مجموعه مقالات)، به کوشش سیدفرید قاسمی، تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴ش.

۹. روزنامه‌نگاری در عصر الکترونیک، مارتین گیسن، ترجمهٔ محسن تقوی، تهران: آینه کتاب، ۱۳۷۱ش.

۱۰. فن روزنامه‌نگاری، فیلیپ گایار، ترجمهٔ فضل‌الله جلوه، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۸ش؛ چاپ دوم ۱۳۷۴ش.

۱۱. مقدمه‌ای بر روزنامه‌نگاری، به کوشش سرویس اخبار شهرستان‌ها، [بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا].

۱۲. هنر نویسندگی خلاق، ایزابل زیگلر، ترجمهٔ خداداد موقر، تهران: پانوس، چاپ اول زمستان ۱۳۶۸ش.

۱۳. مقدمه‌ای بر شناخت روزنامه و خبر، علی اکبر نتاج، [تهران]:

می‌برد. وی فقط تمرین و ممارست عملی در این خصوص را تجویز کرده، و آن را ثمربخش معرفی می‌کند.^۳

فصل دوم به سرتیترهای نویسنده‌گی و در واقع، همان رأس‌های طلایی نوشتن اشاره دارد که هدف، مخاطب و مجرای پیام است، و در حقیقت، خود را در معرض این سه پرسش قرار دادن که: چه می‌خواهم بگویم، برای چه کسی و از چه رسانه‌ای؟^۴

از سویی، مخاطبان مطلب ما همواره با یک پرسش بسیار جدی روبه‌رو هستند که «خواندن این مقاله برای من چه سودی دارد؟». برای آن‌که بتوان به پرسش آنان، پاسخ درخوری داد، ناچار باید به این دو مورد توجه داشته باشیم:

۱. محدوده نوشتاری نباید زیاد از تجربیات خواننده فراتر رود؛ چراکه برای ایجاد ارتباط با آنان باید در تجربه‌هایشان شریک شویم.
۲. باید زبانی که انتخاب می‌شود، زبانی متناسب با میزان درک و فهم مخاطب باشد.^۵

در فصل سوم، کوتاهی و ایجاز، سادگی و روشنی، نقل قول، پیشینه و سابقه، استدلال و منطق، روایت و حکایت، رنگ و توصیف، مقابله و مقایسه، نشان دادن به جای گفتن، آمار و اطلاعات به عنوان سازنده مغز مثلث تشریح می‌شوند: «نویسنده روزنامه باید بداند که ستون یادداشت، محل ارسال نامه خصوصی نیست، و اگر قرار باشد نوشته او پیچیده و غیر قابل فهم باشد، کارکرد خود را برای روشن‌گری از دست خواهد داد».^۶

به هنگام استفاده از روایت به چند نکته اصلی توجه کنید:

۱. روایت باید واقعی، و یا دست‌کم، نمایشی از آن باشد.
۲. تا حد ممکن، کوتاه باشد.
۳. به پیش‌برد داستان کمک کند.

در بحث «ایده‌ها کجایند؟» که به عنوان فصل چهارم کتاب، ارائه می‌شود، سخن از آن می‌رود که یک نویسنده باید کشف و کنج‌کاو باشد، و در توصیف این مقوله، عبارت «نگاه ژورنالیستی» را به کار می‌برد که باید به شکار مطالب مهم و خوب بپردازد؛ چنین مطالبی دارای این چند عنصرند:

۱. گیرایی در نظر مردم
۲. واقعیت‌ها
۳. شخصیت‌ها
۴. دیدگاه
۵. زنده بودن
۶. منحصر بفردی و همگانی بودن
۷. چشم‌گیر بودن

۸. انرژی‌زایی، همان‌گونه که ایده، شمارا برانگیخته که بنویسید، موضوع باید خوانندگان را نیز برانگیزاند که بخوانند.^۷

به عبارتی پیش از آغاز به کار نوشتن باید چنین کرد:

۱. ایده را به دام انداخت؛

۲. ایده را توسعه داد؛

۳. ایده را سازگار کرد؛

۴. ایده را آزمایش کرد.

در ادامه، بیشتر از نوشته‌های غیر خبری و داستان‌های گزارشی که معمولاً برای پرکردن برنامه‌های رادیویی و ستون‌های ویژه نشریات کاربرد دارند، نمونه‌هایی آورده می‌شود و این بحث، رفته رفته، جنبه آموزش داستان‌نویسی به خود می‌گیرد، تا جایی که زیر عنوان «رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی» یکی از منابع، سوژه‌یابی معرفی می‌شوند، و سپس از عناصر داستانی، همانند واقع‌گرایی، شخصیت‌پردازی و مهیج بودن داستان سخن می‌رود.^۸

فصل پنجم با عنوان «گردآوری اطلاعات» به آموزش راه‌های مختلف تحقیق می‌پردازد که در این قالب‌ها بروز می‌یابد:

۱. تحقیق کتابخانه‌ای^۹

۲. مصاحبه^{۱۰}

۳. آرشیو شخصی^{۱۱} بر اساس کتابخانه شخصی^{۱۲}، دفتر یادداشت،^{۱۳} پوشه‌های عنوان‌دار^{۱۴}، فیش‌های تحقیقاتی^{۱۵}

۴. آرشیو روزنامه یا محل کار^{۱۶}

۵. اینترنت^{۱۷}

فصل ششم، ساختار «مقاله» نام گرفته و ویژگی‌های شروع یک مقاله را چنین بر می‌شمارد:

۱. استفاده از حقایق چشم‌گیر و جذاب

۲. استفاده از لطفیه و حکایت

۳. تشریح و توصیف

۴. دلیل و برهان آوردن از طریق مقایسه و تمثیل

۵. نقل قولی که از طریق مصاحبه به دست آمده است

۶. نکته‌های پرشور، شگفت‌انگیز و یا تکان‌دهنده

۷. پرسش

۸. مناسبت روز

۹. برملا ساختن نیمه پنهان خبر

۱۰. استفاده از شهرت و آوازه

۱۱. شوخ طبعی و استفاده از کنایه و طنز

۱۲. تجربه شخصی

۱۳. ایهام، نهفتگی

۱۴. تضاد و تقابل^{۱۸}

«مقاله خبری» عنوان فصل هفتم است، اندیشه‌ای که با خبر روز گره خورده است،^{۱۹} و پس از آن، تیترونیسی به عنوان فصل هشتم رخ می‌نماید؛ مقوله‌ای که شاید مربوط به آغاز کار باشد، ولی

تازه‌کار و مبتدی هم باشد، می‌کاهد، چنان‌چه در بخش سوم به تفصیل، به کاربرد پیشینه و سابقه روایت، مثال و استعاره پرداخته شده، ولی در ساختار مقاله^{۲۴} باز با ذکر نمونه‌های ملال‌آور، این موارد توضیح داده می‌شود.

هم‌چنین مؤلف، گرچه پیش‌تر شکل‌گیری مقاله مطبوعاتی را بر پایه استدلالات و منطق می‌دانست^{۲۵}، در جایی دیگر، افراد را به استفاده از تخیلشان به منظور تقویت ایده توصیه می‌کند.

نویسنده بر مطالبی که از آن‌ها سخن می‌گوید شمول کافی ندارد؛ چنان‌چه همه جا از «دفترچه یادداشت» سخن به میان می‌آید، و صحبتی از کار با ضبط صوت که امروزه از وسایل جداناپذیر خبرنگاران است، به چشم نمی‌خورد.

ای کاش که در پایان کتاب، واژه‌نامه‌ای هرچند کوتاه درج می‌شد، و خواننده را از معانی اصطلاحات به کار رفته در کتاب، بهره‌مند می‌ساخت.

پانویس‌ها:

۱. مثلث طلایی نوشتن برای مطبوعات، ص ۷.
۲. همان، ص ۷۴.
۳. همان، ص ۱۲.
۴. همان، ص ۱۵.
۵. همان، ص ۲۰.
۶. همان، ص ۳۳.
۷. همان، ص ۶۵-۶۶.
۸. همان، ص ۶۵.
۹. همان، ص ۳-۷۴.
۱۰. همان، ص ۷۴.
۱۱. همان، ص ۷۴.
۱۲. همان، ص ۷۴-۷۶.
۱۳. همان، ص ۷۶.
۱۴. همان، ص ۷۶.
۱۵. همان، ص ۷۶-۷۸.
۱۶. همان، ص ۷۸-۷۹.
۱۷. همان، ص ۷۹.
۱۸. همان، ص ۸۴-۸۵.
۱۹. همان، ص ۱۰۱.
۲۰. همان، ص ۱۱۱.
۲۱. همان، ص ۱۱۶.
۲۲. همان، ص ۱۲۱-۱۲۷.
۲۳. همان، ص ۱۲۹-۱۳۹.
۲۴. همان، ص ۸۵.
۲۵. همان، ص ۴۱.

از آن‌جا که دشوار و دقیق است، پس از مطالب دیگر آمده، و نه پیش‌تر از آن‌ها، به عبارتی بالاترین بازی ذهنی روزنامه‌نگاران در کار رسانه است که باید دارای این ویژگی‌ها باشد:^{۲۰}

۱. خواننده را اسیر، و توجه او را تسخیر کند.
۲. موضوع را نشان داده، و مقاله را تعریف کند.
۳. خواننده را به ادامه و پی‌گیری مقاله، وسوسه کند.
۴. دقیق و صحیح باشد.
۵. روشن و قابل فهم باشد.
۶. از لحاظ دستور زبان و شیوه نگارش، صحیح باشد.
۷. قوی و تأثیرگذار باشد.
۸. دست اول باشد.
۹. ضرب‌آهنگ داشته باشد.

فصل نهم انتهای کار نویسنده است، او که در فصل نخست، عشق به نوشتن را با این پرسش آغاز کرده بود که: «می‌خواهید، نویسنده شوید؟!»، اکنون کتاب را با این فصل به پایان می‌برد که «عشق نوشتن» نام دارد، و وعده می‌دهد که: «شما نویسنده هستید!»، ولی نوشته‌هایتان را پیش از انتشار در این جدول معیار قرار دهید:

۱. هدفتان از نوشتن مقاله چه بود؟ آیا از عهده آن برآمده‌اید؟
۲. طرح نوشته را در سه خط تعریف کنید.
۳. آیا از جملات کوتاه و روشن، سود جسته‌اید؟
۴. ایجاز را فراموش نکنید.
۵. تیترتان چنگی به دل می‌زند؟
۶. شروع یادداشت چه طور است؟ آیا توانسته‌اید بقیه مخاطب را بگیرید؟
۷. عناصر مثلث طلایی را به کار گرفته‌اید؟

۸. پایان را دوباره مرور کنید، آیا به گونه‌ای هست که خواننده، دلش برای کار بعدی شما تنگ شود؟^{۲۱}

و سرانجام، مطالب کتاب با دو پیوست پایان می‌پذیرد؛ پیوست نخست، زیر عنوان «تیتتر حرفه‌ای یا تیتتر دوپهلو» به قلم بزرگ‌مهر شرف‌الدین،^{۲۲} و پیوست دوم با عنوان «سرآغاز مقاله نویسی در مطبوعات ایران» از سیدفرید قاسمی.^{۲۳}

نکته‌ای چند

حساسیت چنین کاری و چنین نوشته‌ای که در صدد آموزش نگارش به خوانندگان است، پوشیده نیست و نیاز به تأکید ندارد. بنابراین، جای آن بود که دقتی مضاعف در غلط‌گیری و ویرایش کتاب صورت می‌پذیرفت. فراموش نکنیم که صفحه‌آرایی کتاب نیز چندان خوب و در حد و اندازه کتابی با این موضوع نیست.

نوعی تکرار در ارائه مطالب، از اشتیاق خواننده - که چه بسا